

معارضان علیه خشونت سازمانیافته دولت ترکیه در استانبول به خیابانها آمدند

عبدال گلپریان

صفحه ۲



فاجعه بیکاری و فقر با کاهش میلیونی تعداد دانشجویان در ایران

نسان نوینیان

حقوق های چند برابری زیر دوازده

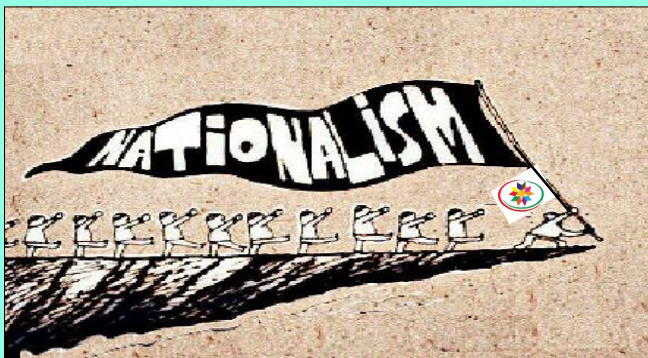
بیکاری و فقر در ایران، ادامه تحصیل و رسیدن به موقعیتهای شغلی را دشوارتر از همیشه کرده است. بنا به آمار رسمی که توسط مجیدی رئیس دانشگاه تبریز اعلام شده، یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر از تعداد دانشجویان کم شده. مجیدی دلائل کم شدن این تعداد را نگفته است. آماری که مجیدی در چند روز مانده بود به پایان سال جاری (نود و نه) اعلام کرده قطعاً آمار بیش از این است.

اما مردم و میلیون ها خانواده ای که فرزندان از رفتن به دانشگاه محروم شده اند به دلائل محرومیت فرزندان به دانشگاه ها آگاهند. بیکاری و فقر، دستمزد و

صفحه ۲

ناسیونالیسم خطری که از نو باید شناخت جشن هم برای ناسیونالیستها وسیله ای برای رسیدن به هدف است اقبال نظرگاهی

صفحه ۳



تبعید زندانیان سیاسی باید با اعتراض وسیع مردم روبرو شود

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۴

نامه زندانیان سیاسی در زندان رجایی شهر کرج پیرامون تشدید آزار و اذیت زندانیان سیاسی

زندانهای زندان رجایی شهر کرج

صفحه ۴



واپس گرایی مرکز همکاری احزاب کردستان به بهانه لوگوی نوروژی (مرکز همکاری احزاب کردستان)

نسان نوینیان

صفحه ۵

کمونیسم کارگری و نه محکم جامعه به جمهوری اسلامی

امیر عسکری

صفحه ۵

اعتراضات سراسری و وسیع علیه تبعید زندانیان سیاسی

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

فاجعه بیکاری و فقر... از صفحه ۱

معترضان علیه خشونت سازمانیافته دولت ترکیه در استانبول به خیابان‌ها آمدند



عبدل گلپریان

علیه زنان، بلافاصله روز شنبه بیستم مارس جمعیت معترضان به تصمیم دولت ترکیه در استانبول به خیابان‌ها آمدند و در حالی که تصاویر زنان به قتل رسیده در ترکیه را حمل می‌کردند، شعارهایی علیه این تصمیم اردوغان و در حمایت از زنان سر دادند.

در این تردیدی نیست که جنبش قوی و قدرتمند جنبش برابری طلبانه زنان در ترکیه این اجازه را به حکومت و دولت اسلامی و مرتجع این کشور نخواهند داد که بتواند زن ستیزی دولتی را به جامعه ای سکولار تحمیل کند. جنبش اعتراضی زنان برای احقاق حق برابری جنسیتی در ترکیه سنت و پیشینه قوی و پایداری دارد. این جنبش باید بتواند همگام و همراه با مردان آزادخواه و برابری طلب و ایفای نقش اتحادیه های کارگری که سنتهای رادیکال، چپ و مدافع حقوق انسانی را در کارنامه خود دارند در مقابل توحش دولت اسلامگرایی اردوغان تمام قد بایستد و خشونت سازمان یافته و قانونی دولت ترکیه را افشا بزند.

۲۱ مارس ۲۰۲۱



زنان ترکیه

راه بقای خود را در زن ستیزی دولتی، قانونی و رسمی می بیند. اقدام اردوغان و دولت اسلامی او نشان دادن چراغ سبز به جریانات اسلامی مرتجع و باز گذاشتن دست نرینه های اسلامی خانواده برای اعمال خشونت علیه زنان و افزایش قتل های ناموسی است. این اقدام زن ستیزانه اردوغان و دولت اسلامی او، معنایی جز رواج قانونی و سازمان یافته خشونت علیه زنان در این کشور ندارد. منبع هر گونه زن آزاری، زن کشی و تجاوز به زنان از منظر دولت ترکیه تحت عنوان "اختلافات خانوادگی" برای آزاد گذاشتن دست مجرمان اسلامی علیه زنان نامگذاری خواهد شد. و شاهد افزایش قتل، اذیت و آزار، خشونت و دهها حرکت کثیف مدافعین قوانین اسلامی علیه زنان خواهیم بود.

قانونی کردن خشونت سازمان یافته توسط اردوغان و دولت او خشم عمیق و میلیونی جنبش برابری طلبانه زنان در این کشور را بدنبال داشت و بدنبال اعلام خروج دولت ترکیه از پیمان منع خشونت

دولت ترکیه روز شنبه به دستور رجب طیب اردوغان، پس از یک دهه از کنوانسیون شورای اروپا موسوم به «کنوانسیون استانبول» که با هدف منع خشونت علیه زنان تصویب شده بود، خارج شد. این کنوانسیون سال ۲۰۱۱ توسط وزیران امور خارجه ۴۵ کشور اروپایی در استانبول تصویب شد و ترکیه نخستین کشوری بود که به این پیمان پیوست. سخنگوی اتحادیه اروپا این تصمیم اردوغان و دولت او را محکوم کرد.

دولت و حکومت زن ستیز ترکیه در حالی از این کنوانسیون خارج شده است که خشونت علیه زنان در این کشور، در سال گذشته میلادی ۴۰۹ زن و از ابتدای سال ۲۰۲۱ تاکنون، ۷۷ زن در ترکیه به دلیل خشونت کشته شده‌اند.

حکومت اسلام گرای ترکیه با خروج از کنوانسیون منع خشونت علیه زنان، عملاً و بطور رسمی و قانونی در مسیر گسترش خشونت علیه زنان در این کشور گام نهاده است. دولت ترکیه و اردوغان همانند رژیم اسلامی حاکم بر ایران

فاشیسم اسلامی سرمایه را دارند. سال ۱۴۰۰ سال دستاوردهای برابری کوبنده تری خواهد بود. ۲۳ مارس ۲۰۲۱

دستاوردهای مبارزاتی کنونی کارگران و مردم در سطح میلیونی آمادگی کافی برای پایان دادن به شرایط موجود و رهایی از دست رژیم

زیادی از کشورهای دنیا برگزاری نزدیک به ۱۷ هزار اعتراض کارگری در اشکال اعتصاب، تجمع و راهپیمایی در یکسال آماری بی سابقه است.

نقطه قدرت مردم در ایران در تعداد آمار بیش از ۲۳ هزار تجمع اعتراضی تجربه شده است. سال ۱۴۰۰ را با توفان کوبنده مراسمهای وسیع ۸ مارس شروع کردیم. شکاف طبقاتی موجود و محرومیت میلیونی دانشجویان و کودکان از تحصیل سرنوشت محتمل جامعه ما نیست. بر بستر



ابعاد بیکاری و فقر در همه سطوح زندگی میلیون ها نفر از شهروندان کاملاً مشهود است.

کوچک شدن سفره روزانه، محرومیت از رفاه و شادی، محرومیت از تحصیل، محرومیت و رنج بردن از دسترسی نداشتن به دارو، پزشک و ویزیت پزشکی، و در شرایط که پاندمی کرونا جان هزاران نفر را گرفته و زندگی و حیات میلیون ها خانواده را در چنگال مرگ تدریجی قرار داده، به سرنوشت مشترک مردم در سطح میلیونی تبدیل شده است.

ما میتوانیم علیه این شرایط هولناک که به زندگی چندین میلیون از مردم تحمیل شده دست به مبارزه بزنیم.

بیکاری و فقر و تبعات اجتماعی ناشی از آنها سرنوشت محتمل مردم در ایران نیست. در چند دهه گذشته مبارزات کارگران و مردم در ایران با اعتصاب و اعتراض برای رهایی از بیکاری و فقر رقم زده شده است. مردم در ایران اعتراضات کوبنده دی ماه ۹۶، دی ماه ۹۷ و اعتراضات کوبنده علیه گرانی را در آبان و دی ماه ۹۸ تجربه کرده اند.

در سال ۱۳۹۹ «۲۳۸۷۳» تجمع اعتراضی در ایران شکل گرفت است. از این میان ۱۶۷۴۲ تجمع کارگری، ۶۸۳۶ مورد تجمع صنفی، ۲۰ تجمع دانشجویی و ۲۷۷ گروه از شهروندان که بیشتر آنها مالباختگان و یا دیگر افرادی هستند که حق شهروندیشان تضییع شده، به دلیل عدم احقاق خواسته ها و مطالباتشان در ۲۴ استان تجمعات اعتراضی برگزار کردند. در همین رابطه ۴ اعتصاب صنفی و ۷۱۳۰ اعتصاب کارگری نیز برگزار شد». (منبع سایت اینترنتی هرانا) در منطقه خاورمیانه و تعداد

عمیقاً طبقاتی در جامعه است! اما، فاجعه محرومیت از تحصیل به دانشگاه ها ختم نمیشود!

در سال تحصیلی جاری بیش از یک میلیون به کودکان محروم از تحصیل افزوده شده است. و ۳۰ درصد دانش آموزان در ایران به حداقل توانایی های سواد نمی رسند! و محرومیت دختران از مدارک تحصیل به نسبت پسران خیلی بالاتر است.

ابعاد فاجعه بیکاری که به هیچوجه با دادن آمار از تعداد کارگران بیکار قابل بیان و تحلیل نیست. تبعات بیکاری و فقر در زندگی مردم امروز به فاجعه ای انسانی تبدیل شده است. مردم میگویند؛ «وقتی من و شما مساله فقر و بیکاری را در کنار هم قرار میدهیم و سطح معیشت را با استاندارد خط رفاه و تامین همه جانبه زندگی از مسکن تا دارو، پزشک، خرید لباس و مرخصی و حفظ سلامتی در مقابل پاندمی کرونا (۰۰) را بررسی میکنیم، ابعاد فاجعه را به روشنی می بینیم». میگویند؛ «در یک خانواده چهار نفری (معلم، کارمند، پرستار و یا کارگری که در مراکز صنعتی و در پروژه های ساختمانی حقوق بگیر هستند) حداقل دو نفر بیکار هستند.»

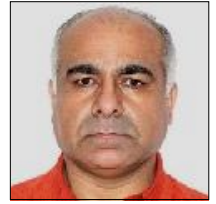
بیکاری و فقر در ایران تحت حاکمیت حکومت اسلامی به معضلی اجتماعی تبدیل شده است. زندگی میلیون ها نفر از مردم کارکن در معرض فقر مطلق و غیر قابل باور کردنی قرار گرفته است. بی دلیل نیست که هر روز به تعداد محلات حاشیه نشین در شهرها افزوده میشود. هزاران خانواده از شهرها به روستاها مهاجرت می کنند. افزایش محلات حاشیه نشین و مهاجرات به روستاها فاجعه انسانی است که در نظام حکومت اسلامی سرمایه به مردم در ایران تحمیل شده است. محرومیت میلیونی جوانان از رفتن به دانشگاه ها، محرومیت میلیونی کودکان از ادامه تحصیل، افزایش میلیونی کودکان کار و خیابان و بی سرپناها نتایج حاکمیت این رژیم فاشیستی سرمایه است.



تحصیل رایگان برای همه
جای کودکان ما در مدرسه است!

کمی هزینه به خانواده هایی که امکان فرستادن کودکان خود به مدرسه را ندارند

ناسیونالیسم خطری که از نو باید شناخت جشن هم برای ناسیونالیست‌ها وسیله ای برای رسیدن به هدف است



اقبال نظرگاهی

جشن نوروز ایام شادی و سرور مردمان منطقه پهناوری از جهان است که از شرق سرزمین تاریخی خراسان یعنی از ماورای رودخانه های سیحون و جیحون شروع می شود و تا غرب رودخانه های دجله و فرات ادامه دارد. مردمان زیادی این ایام را جشن می گیرند و به بهانه تولد مجدد طبیعت شادی می کنند. ناسیونالیست‌های کردستان نوروز را به ابزاری برای نفوذ در میان مردم تبدیل کرده و آن را جشن "کردها" و برگزاری آن را تداوم "آتش شورش کردستان" می نامند. ناسیونالیست‌ها که در پی حکومت و غارتگری یک اقلیت کوچک بر یک جامعه بزرگ هستند چاره ای جز فریب مردم برای کسب قدرت ندارند لذا هر چیزی را وسیله ای در خدمت اهداف خود می دانند. جشن و لباس و زبان و غذاهای محلی و فرهنگ و موسیقی و تاریخ و حتی خود انسان را به ابزار تبدیل می کنند تا بلکه به مقصود خود برسند. اما بد شانس ناسیونالیست‌ها در این است که کمونیست‌ها حضور دارند تا مردم را از این شگردهای قدیمی ناسیونالیست‌ها آگاه سازند و اجازه ندهند مردم به ابزار و اهرم قدرت یابی آنها تبدیل شوند و جالب اینکه ناسیونالیست‌ها مدعی می شوند که کمونیست‌ها مخالف نوروز کردها هستند. و یا مدعی هستند که کمونیست‌ها قصد تحریف تاریخ کردها را دارند و غیره. اما حتی به یا به ذهنشان نمی رسد یا آگاهانه نمی خواهند بگویند که قدمت جشن نوروز هزاران سال است و قدمت ناسیونالیسم در جهان فقط ۲۵۰ سال و در کردستان فقط صد سال

است. لذا بهره برداری یک جنبش سیاسی متاخر (ناسیونالیسم) از یک جشن قدیمی (نوروز) و آن را شناسنامه خود انگاشتن اصل ماجراست و دعوا بر سر خود نوروز نیست.

مرکز همکاری احزاب کردستان ایران یعنی حزب دموکرات کردستان ۱ و ۲ و سازمان زحمتکشان کردستان ۱ و ۲ + سازمان خیات اسلامی نوروز را بعنوان سبیل اتحاد ملت کرد اسم گذاری کرده اند و در یک لگو بمناسبت نوروز ۱۴۰۰ خورشیدی زنان و مردان و کودکانی با پوشش کامل و حجاب-مانند به نوعی که دل جنبش اسلامی سلفی و مفتی زاده چی ها را خشنود سازد آراسته است. که این رسما اثبات دکنترین همیشگی ناسیونالیسم یعنی "هدف وسیله را توجیه می کند" است. این سیاسی کردن جشن ها و استفاده ابزاری از آن بعنوان پیام به جنبش اسلام-سیاسی داخلی و خارجی که ادامه همان پروژه سیاسی کردن زبان و موسیقی و فرهنگ و دین و مذهب است همگی در خدمت اهداف سیاسی این احزاب غیر مردمی است. سیاسی کردن نوروز کپی سیاسی کردن ایام عزاداری تاسوعا و عاشورای شیعه توسط خمینی است. ناسیونالیست‌های قومی کرد در کردستان از همه گیری و محبوبیت جشن نوروز در میان مردم مطلعند و لذا با سیاسی کردن آن قصد دارند این ایام شادی را وسیله اهداف غیر مردمی خود سازند. بعلاوه مصادره نوروز بعنوان جشن "کردها" خلاف واقعیت تاریخی این جشن است که توسط مردمان مناطق وسیعی از خاورمیانه تا آسیای مرکزی جشن گرفته شده و می شود. که البته این نکته اینجا زیاد اهمیت ندارد. آنچه اهمیت دارد و لازم است مورد اعتراض قرار بگیرد آن است که در لگویی که این احزاب ناسیونالیست ساخته اند و از وب سایت مهر حکومت اسلامی

برداشته اند زنان دارای حجاب کامل هستند و این دقیقاً پیام سیاسی ناسیونالیست‌های کردستان به جنبش اسلام-سیاسی داخلی (سلفی ها و مفتی زاده چی ها) و دول خارجی نظیر (دولتهای اسلامی ترکیه و عربستان) است. احزاب دموکرات نیمچه سکولاریسم قدیمی خود را کنار گذاشته اند و اعلام آماده گی کرده اند که ما سنی هستیم و مخالف حکومت شیعه ایران و آماده دخالت دادن دین اسلام در دولت کردی هستیم بشرطی که دولتهای داعش پرور منطقه مانند ترکیه و عربستان و قطر حاضر شوند در ضديت با حکومت فاشیستی جمهوری اسلامی به آنها کمک مالی و تسلیحاتی بکنند. اگر این احزاب موفق شوند که حکومت‌های داعش پرور منطقه را به حمایت از خود راضی کنند بی گمان سایه جنگ ویرانگر دیگری بر جامعه تحمیل خواهند کرد که هر دو طرف این جنگ داعشن خواهند بود. یکی شیعه و دیگری سنی و آتش افروز آن احزاب بی مسئولیت ناسیونالیست قومی که در این آتش جز مردم کردستان کسی زیان نخواهد دید. در نتیجه مردم و احزاب کمونیست نباید به این تلاش‌های ضد مردمی احزاب ناسیونالیست بی تفاوت بمانند.

بعلاوه در این لگوها زنان وسیله ارسال پیام قرار گرفته اند و با سر و بدن کاملاً پوشیده ظاهر شده اند این در حالی است که چهار دهه قبل زنان پیشمرگ بعد از سالها کشمکش با مرد سالاری در احزاب ناسیونالیست موفق شده بودند که درجه ای از حقوق و آزادیهای مدنی را به این احزاب تحمیل کنند و از آن جمله آزادی پوشش بود. این لگوها با حجاب اسلامی حمله مستقیم دیگری به جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی زنان در جامعه کردستان است. بعد از اینکه چهل سال زنان را در خدمت به جنبش کردایتی مسلح کرده و به میدان

جنگ فرستاده اند اکنون با حجاب پیچی زنان در این لگوها حتی تمام جان فشانیهای زنان و مبارزات آنان در صفوف خودشان را یکجا به حراج گذاشته اند و این یعنی فروش جنبش زنان توسط جنبش ناسیونالیستی قومی کرد به جنبش اسلام سیاسی و این یعنی پشت کردن به همان میزبان از مبارزات زنان در صفوف خود این احزاب. در نتیجه کردی کردن و اسلامی کردن جشن نوروز در خدمت سیاسی کردن این جشن است تا در ایام ورزشکستکی سیاسی دولت کردی در حکومت اقلیم نهایت منفعت خود را از آن بگیرند. وقتی حکومت کردی اقلیم بعد از سی سال به بن بست همه جانبه رسیده و فساد سیاسی و اداری و اختلاس و دزدی مالی و اقتصادی حکومتشان را علناً در مقابل مردم قرار داده است که برای آرام کردن جوانان حق طلب و معترض بر رویشان گلوله گشودند مجبورند بیایند و با کردی کردن نوروز دل مردم را گرم نگه دارند و با اسلامی کردن آن دل جریانات سلفی داخلی و دولتهای اسلامی منطقه را بدست آورند. این است پروژه سیاسی

ناسیونالیست‌های قومی در کردستان با استفاده از جشن نوروز. آیا جامعه کردستان اجازه خواهد داد احزاب ناسیونالیست و اسلامی سرنوشتشان را بازیچه اهداف و امیال سیاسی و شخصی خود بکنند یعنی همان داستان اقلیم کردستان تکرار شود؟ آیا احزاب کمونیست می توانند سدی محکم از شوراهای کارخانه و محلات در برابر تاخت و تاز این احزاب بی مسئولیت و غیر مردمی ایجاد کنند؟ آیا زنان مبارز و برابری طلب اجازه می دهند احزاب مردسالار و ضد زن ناسیونالیسم قومی کرد با سرنوشتشان بازی کنند و آنها را ابزار اهداف شوم سیاسی خود قرار دهند؟ آیا جوانان آزادیخواه اجازه می دهند احزاب ناسیونالیست نمونه دیگری از "اداره محلی" در پیمان آتش بس با سپاه پاسداران و دراین اوضاع متحول پیش رو در کردستان ایران ایجاد کنند و در صورت اعتراض مردم برویشان شلیک کنند؟ خیر نباید اجازه داد.

۱۹ مارس ۲۰۲۱

KANAL JADID
کانال جدید

تماس با کانال جدید
www.newchannel.tv
کانال جدید ۱ @kanaljadid1
facebook.com/kanaljadidtv
instagram.com/kanaljadidtv
Kanal Jadid TV
تلفن تماس: ۰۰۴۴۷۸۸۸۸۸۸۲۴
nctv.tamas@gmail.com
ایمیل:

ماهوره یاه ست
فرکانس: 11766
پولاریزاسیون: عمودی
سیمبل ریت: 27500
اف ای س: 7/8

تولیزون کانال جدید
را به هوستان و آذربایجان معرفی کنید!

ستم ملی، تبعیض بر مبنای انتساب انسانها به ملیتهای مختلف، یکی از جلوه ها و اشکال مهم نابرابری انسانها در جامعه طبقاتی است و باید برچیده شود. محو ستم ملی و تضمین برابری همه انسانها مستقل از تعلقات ملی یک هدف مستقیم جنبش کمونیستی طبقه کارگر است.

منصور حکمت (ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری)

تبعید زندانیان سیاسی باید با اعتراض وسیع مردم روبرو شود

نامه زندانیان سیاسی در زندان رجایی شهر کرج پیرامون تشدید آزار و اذیت زندانیان سیاسی



رسانه به گوش ایرانیان و جهانیان گرفتار آمده‌اند. می‌رسد.

طی ماه‌های گذشته به رغم ادعاهای عالی‌ترین مقامات قضایی جمهوری اسلامی پیرامون رعایت حقوق زندانیان سیاسی چیزی که عملاً و هر روزه در حال رخ دادن است نه ذره‌ای بهبود شرایط زندانیان، بلکه تشدید سرکوب و ضد انسانی‌تر کردن بیش از پیش شرایط آنان بوده است تا با بالا بردن هزینه زندان، مردم به جان آمده ایران و کنشگران سیاسی در سطح جامعه را مرعوب و مقهور سیاستهای سرکوب‌گرانه سازند.

انتقال به سلول انفرادی، توهین و تحقیر، ضرب و شتم، تشکیل پرونده‌های جدید و صدور احکام تازه و تبعید به زندانهای دور از محل سکونت و... از جمله روشهای اعمال فشار بر زندانیان و آزار و اذیت خانواده‌هایشان است که در ماه‌های اخیر شدیدتر و گسترده‌تر شده است. نهادهای امنیتی و قضات وابسته به این نهادها آشکارا دریافت‌اند که زندان نه تنها مانع و بازدارنده مبارزات حق طلبانه زندانیان سیاسی نشده، که خود به محل و مجالی برای تداوم مبارزات و مقاومت آنان تبدیل شده و از پشت دیوارهای بلندش، هر بار صدای حق‌خواهی زندانیان و افتادن تشنه رسوایی حاکمیت استبداد، بلندتر و

در هفته‌ها و روزهای اخیر و در آستانه آغاز سال نو، مسئولین زندان و دستگاه قضایی دست به جابجایی و انتقال برخی از زندانیان اوین، که سبیل اعتراض نیز هستند، به زندان‌های دیگر زده اند. آتنا دائمی از زندان اوین به زندان لاگان شهر رشت، سپیده قلیان به زندان بوشهر، گلرخ ایرایی به زندان آمل، مریم اکبری منفرد به زندان سمنان، اسماعیل عبدی به زندان قزل حصار کرج و در روز ۳۰ اسفند کسری نوری به زندان عادل آباد شیراز منتقل شده اند.

این جابجایی‌ها بیش از هر چیز نشانه استیصال حکومت برای به شکست کشاندن مقاومت زندانیان سیاسی است. زندانیان سیاسی فعالین و نمایندگان جنبش‌های قدرتمند اعتراضی در جامعه اند، جنبش‌هایی که در حال رشد و گسترش است و جمهوری اسلامی به عبث تصور میکند با اذیت و آزار زندانیان و دستگیری‌های گسترده و محکومیت‌های سنگینی که در ماه‌های اخیر شروع کرده است، میتواند جلو گسترش جنبش‌های اعتراضی را بگیرد.

حزب کمونیست کارگری رفتار ضد انسانی جمهوری اسلامی با زندانیان سیاسی و تبعید آنها را شدیداً محکوم میکند، تلاش میکند هرچه بیشتر صدای آنها باشد و از همه مردم آزاده و معترض میخواهد که همراه با زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنها مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و پایان دادن به اذیت و آزار و تبعید آنها را گسترش دهند.

حزب کمونیست کارگری ایران ۱ فروردین ۱۴۰۰ ۲۱ مارس ۲۰۲۱

جابجایی و تبعید زندانیان سیاسی به زندان‌هایی با شرایط بدتر و دور از محل زندگی خانواده‌های آنها یک روش شناخته شده برای اذیت و آزار زندانیان، محدود کردن آنها و تلاش برای به سکوت کشاندن آنها است. اما هیچ درجه از سرکوب زندانیان و فشار به آنها مانع مقاومت و اعتراض آنها نخواهد شد. در اعتراض به این جابجایی‌ها آتنا دائمی پس از تبعید اعلام کرد "فریاد من بر سر شماها همچنان بلند است و هرگز از مواضع کناره گیری نخواهم

به طور قطع همان‌طور که تاکنون بکارگیری سیاست‌های سرکوب‌گرانه توسط حکومت راه به جایی نبرده است این بار نیز این سیاست‌ها راه به جایی نخواهد برد و پیشاپیش محکوم به شکست است.

مطلب احمدیان، محمد بنزاده امیرخیزی، افشین بایمانی، آرشام رضایی، آرش صادقی، حسن صادقی، جعفر عظیم زاده، سهیل عربی، ابوالقاسم فولادوند، نصرالله لشنی، بهنام موسیوند، رضا محمدحسینی، سعید ماسوری، علی موسی نژاد فرکوش، فرهاد میثمی، محمد علی منصوری، مهدی مسکین نواز و آرش نصری

شنبه ۱ فروردین‌ماه ۱۴۰۰
زندان رجایی شهر کرج

دشمن ما همینجاست:

- * دشمن ما مجلس است که قانون علیه مردم وضع میکند
- * شورایعالی کار است که حقوق یک چهارم خط فقر تصویب میکند
- * نیروی مسلح حکومت است که به سر شلیک میکند
- * حکومتی است که ۱۷۶ سرنشین هواپیما را عامدانه به موشک میبندد
- * قوه قضاییه است که مردم معترض را به شکنجه و زندان محکوم میکند
- * نظامی است که اکثریت مردم را فقیر و مفتخوران حاکم را میلیاردر میکند
- * حکومت مذهبی است که به اسم مذهب چپاول و به اسم الله جنایت میکند
- * حکومتی است که جداسازی و اسیدپاشی میکند
- * حکومتی است که زنان را از هر حنفی محروم میکند
- * اصولگرا و اصلاح طلب است که این جهنم را به سر مردم حاکم کرده اند
- * آیت الله‌های میلیاردرند که سر مردم بشیره میپانند
- * خامنه‌ای است که در رأس این ماشین دزدی و جنایت و فساد اسلامی حکومت میکند

دشمن ما همینجاست و همینجا سرتگوش می‌کنیم



واپس گرایی مرکز همکاری احزاب کردستان به بهانه لوگوی نوروزی (مرکز همکاری احزاب کردستان) نسان نوذینیان



حاشیه بوده اند. مردم کردستان بی ربطی اینها را به اعتراضات چند سال گذشته و بویژه در آبان و دی ماه ۹۸ که زنان نقش پیشرو و لیدر اعتراضات را داشتند، تجربه کردند.

لوگوی نوروزی سال ۱۴۰۰ (مرکز همکاری احزاب کردستان) پیام تحجر و واپس گرایی علیه جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی زنان در کردستان است، علیه هشت مارس سال جاری بود که «طوفانی کوبنده علیه حکومت را در نوردید تا حدی که دست به نظامی کردن شهر سنجند زد. هشت مارس که پاسخی کوبنده بود به حجاب، به زن ستیزی های حکومت، به تجاوزهای جنسی و حمایت پیدادگاههای اسلامی از متجاوز، به قتلهای ناموسی، به خشونت های قانونی علیه زنان، به نفرت پراکنی امامان جمعه علیه زنان، به فرهنگ هموفوب، به کودک همسری، به اعدام ها، به بازداشت ها و زندانی کردن فعالین زن در زندان، به ضرب و شتم فعالین و پرونده سازبها و تبعید در زندانها».

(مرکز همکاری احزاب کردستان) از حزب دموکرات کردستان ایران، حزب دموکرات کردستان و دو سازمان مهتدی - ایلخانی زاده تشکیل شده است. لوگوی (مرکز همکاری احزاب کردستان) ضد پیشروی های اجتماعی زنان است. فول لوگوی نیست. منش سیاسی و دیدگاه آنها درباره جنبش رهایی زن است. بیان گویایی است از بی ربطی اینها به تحولات سیاسی - اجتماعی. آخودشان از زبان مصطفی هجری گفتند که در اعتراضات آبان و دی ماه ۹۸

بمناسبت سال نو ۱۴۰۰ (مرکز همکاری احزاب کردستان) یا (ناوهدی هاوکاری حیزبه کانی کوردستانی روزه لات) لوگویی را منتشر کرده اند که در نوع خود "بی نظیر" و شرم آور است. تحقیر بزرگی علیه زنان و جوانان مردم کردستان است. دهن کجی بزرگ و آشکاری علیه مردم کردستان در قرن بیست و یک است. سایت اینترنتی مهر وابسته به حکومت اسلامی لوگوی (مرکز همکاری احزاب کردستان) را منتشر کرده و نوشته است: ((نوروز با چاشنی بازیهای فراموش شده محلی)).

لوگوی (مرکز همکاری احزاب کردستان) ترکیبی است از زنان که تمام قد که با (بالاپوش) پوشانده شده اند. با روسری هایی پوشانده شده اند که سالها در عقب افتاده ترین مناطق روستایی دیده نشده است. (مرکز همکاری احزاب کردستان) از حزب دموکرات کردستان ایران، حزب دموکرات کردستان و دو سازمان مهتدی - ایلخانی زاده تشکیل شده است. لوگوی (مرکز همکاری احزاب کردستان) ضد پیشروی های اجتماعی زنان است. فول لوگوی نیست. منش سیاسی و دیدگاه آنها درباره جنبش رهایی زن است. بیان گویایی است از بی ربطی اینها به تحولات سیاسی - اجتماعی. آخودشان از زبان مصطفی هجری گفتند که در اعتراضات آبان و دی ماه ۹۸

کمونیسم کارگری و نه محکم جامعه به جمهوری اسلامی



امیر عسکری

در جریان است. همانطور که بارها گفته ایم دانشگاه سنگر آزادیست و هژمونی مبارزاتی و رهبری سیاسی کمونیسم کارگری در بین فعالین دانشجویی نمونه ای آشکار از قامت نه محکم کمونیسم کارگری به جمهوری اسلامی است. جنبش نوین رهایی زن، رنگین کمانی ها و ضد دین در دل جنبش دانشجویی و در بدنه جنبش سرنگونی شکل و ساختاری دارد با مختصات کمونیسم کارگری و برنامه سیاسی این جنبش عظیم میتواند حکومت اسلامی در ایران را سرنگون کند.

بدیهی است که جامعه در شرایط کنونی نه محکمی در ادامه مبارزات آبان و دیماه ۹۸ و همچنین مبارزات مردم سیستان و بلوچستان به جمهوری اسلامی همگام با حزبی قدرتمند به پرچم مبارزات سرنگونی طلبانه خود تبدیل کرده است. این حزب سیاسی، حزب کمونیست کارگری است که خواست و مطالبه تمام بخش های مختلف جامعه را با هر دغدغه سیاسی نمایندگی کرده و خواستار رهایی از شر تبعیض و نابرابری و هرگونه ارتجاع و چپاول نوع تری که مطرح میشود قبول نداریم. ما میگوییم اداره امور کشور به دست شوراهای مردمی. تمام این خواستها نقطه مقابلی از نوع نه گفتن راست اپوزوسیون است که با موج جامعه چرخش کرده و خود را میخواهد به عنوان دایه پیشبرنده انقلاب آتی معرفی کند ولی جنس نه جامعه به جمهوری اسلامی در میدان مبارزاتی مختصات دیگری را نشان میدهد. آنچه که به کمونیسم و کمونیسم کارگری گره خورده است انقلاب در جهت خلاصی از سرمایه داری، از اسلام سیاسی، از نابرابری، از تبعیض و از لغو کار مزدی است که به نه جنبش های مبارزاتی بدل شده است.

نه به جمهوری اسلامی به لحاظ شعار و کلام مبارزاتی رویکردی است که در تمام چهار دهه گذشته از سوی فعالین، رهبران و حزب کمونیسم کارگری جهت تحقق آن تلاشی تاریخی صورت گرفته است. بدیهی است که با مختصات این جنبش طبقاتی و مردمی به عنوان نه محکم سرنگونی در جامعه ایران

خیابانها برده و در اشکال مختلف به پراتیک توده های مردمی بدل کرده است. این نوع نه به جمهوری اسلامی با نوع اولی که بخش زیادی از بسطهای عقب مانده و ضد بشری حاصله از خصلت سرمایه داری اش است، از ریشه و بن با هم متفاوت هستند. ما نمیتوانیم هم از یک طرف بگوییم نه به جمهوری اسلامی و از سوی دیگر به مذهب و یا افکار ارتجاعی مترادف آن آری بگوییم. خود حکومت اسلامی در ایران نماینده افسارگسیخته و نامتعارف سرمایه داری است و در این شرایط آن نوع از مخالفت نه به حکومت از سوی جامعه مورد توجه قرار میگیرد که راهکار خلاصی از تمامی مختصات سیاسی حکومت اسلامی را دم دست مردم قرار داده باشد.

کمونیسم کارگری میگوید نه به جمهوری اسلامی، نه به مذهب و نه به اسلام سیاسی، نه به کار مزدی، نه به سرمایه داری و نه به ناسیونالیسم از هر جنس و نوع اش. ما میگوییم آزادی بیان هیچ حد و مرزی نباید داشته باشد و هیچ تبعیضی را با هر نوع تری که مطرح میشود قبول نداریم. ما میگوییم اداره امور کشور به دست شوراهای مردمی. تمام این خواستها نقطه مقابلی از نوع نه گفتن راست اپوزوسیون است که با موج جامعه چرخش کرده و خود را میخواهد به عنوان دایه پیشبرنده انقلاب آتی معرفی کند ولی جنس نه جامعه به جمهوری اسلامی در میدان مبارزاتی مختصات دیگری را نشان میدهد. آنچه که به کمونیسم و کمونیسم کارگری گره خورده است انقلاب در جهت خلاصی از سرمایه داری، از اسلام سیاسی، از نابرابری، از تبعیض و از لغو کار مزدی است که به نه جنبش های مبارزاتی بدل شده است.

نه به جمهوری اسلامی به لحاظ شعار و کلام مبارزاتی رویکردی است که در تمام چهار دهه گذشته از سوی فعالین، رهبران و حزب کمونیسم کارگری جهت تحقق آن تلاشی تاریخی صورت گرفته است. بدیهی است که با مختصات این جنبش طبقاتی و مردمی به عنوان نه محکم سرنگونی در جامعه ایران

چندی است که کمپینی تحت عنوان «نه به جمهوری اسلامی» توسط بخشی از اپوزوسیون راست و مشخصا رضا پهلوی مطرح شده است و از سوی بخشی از سلبیتهای و برخی فعالین نیز مورد حمایت قرار گرفته است. این که هر فرد با هر اندیشه سیاسی مخالفت خود را با جمهوری اسلامی بیان کند در پراتیک سلبی امریست که نباید با آن مخالفت کرد ولی هر نه و هر جنسی از نه گفتن را نمیتوان به حساب نه مردم و طبقه کارگری دانست که سالها علیه تبعیض، نابرابری، مذهب و تمامی بساط سرمایه داری در حال مبارزه هستند. مسئله اینست که کدام جنبش نه محکم را به جمهوری اسلامی گفته و میتواند برای رسیدن به جامعه ای آزاد، برابر و انسانی به دور از چپاول سرمایه داری امر سیاسی جامعه را نمایندگی کند و تا این لحظه به پیش برده است.

جامعه جنسی از نه را به عنوان نه خود شناخته است که در میدان مبارزات طبقاتی علیه جمهوری اسلامی و در دل حرکت موثر از اعتصابات تا تجمعات و بیانیه ها و اطلاعیه ها آنرا پراتیک میکند. نه به جمهوری اسلامی از سوی جریان سیاسی ای میتواند به پراتیک جامعه بدل شود که به رادیکالترین شکل بخش های مختلف جنبش سرنگونی و جامعه را نمایندگی کند. یک جریان سیاسی که ناسیونالیسم، نیروی قهریه سپاه و اندیشه مذهبی را حمایت میکند، در حالی که جامعه از تمامی اینها متنفر و عبور کرده است نمیتواند نه جامعه را نمایندگی کند. مسئله بر سر نمایندگی و رهبری سیاسی «نه محکم» مردم است آن نه ای که میتواند کلیت دودمان جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی را از ریشه خشکانده و به زباله دان تاریخ بسپرد.

کمونیسم کارگری بیش از سه دهه است که نه محکم جامعه را به

۱ فروردین ۱۴۰۰

۲۱ مارس ۲۰۲۱

5/PI

شوراهای محلی را تشکیل دهیم و
کنترل محلات را در دست بگیریم
سرنگون پاد جمهوری اسلامی!

۱ فروردین ۱۴۰۰

۲۱ مارس ۲۰۲۱

اعتراضات سراسری و وسیع علیه تبعید زندانیان سیاسی

در طول هفته های اخیر شاهد تبعید تعدادی از زندانیان سیاسی به زندانهای مختلف بوده ایم. به دست و پای سپیده قلیان و آتنا دائمی دستبند و پابند زدند؛ سپیده را به زندان بوشهر و آتنا را به زندان لاکان رشت تبعید کردند. گلرخ ابرایی را چندی پیش به زندان آمل، مریم اکبری منفرد را به زندان سمنان، اسماعیل عبدی را به قزل حصار کرج و کسری نوری را به زندان عادل آباد شیراز تبعید کردند. زینب جلالیان را در طول یکسال اخیر به زندانهای مختلف تبعید کردند. در ماههای اخیر شاهد تبعید تعدادی از زندانیان سیاسی زن به زندان قرچک، زندان کجویی و زندان قوچان بوده ایم.

رژیم سالیان زیادیست که زندانیان سیاسی را به زندانهای مختلفی که عمدتاً زندانیان با جرائم عادی در آن نگهداری میشوند تبعید کرده است. این اقدام هدفمند همیشه از سوی رژیم به عنوان روشی برای فشار بیشتر بر زندانی و به خطر انداختن امنیت جانی زندانی، جدا کردن زندانیان شناخته شده از همدیگر و شکنجه روانی زندانیان سیاسی و خانواده هایشان اعمال شده است.

در طول دو سال اخیر ما شاهد تبعید تعدادی هرچه بیشتری از زندانیان سیاسی بوده ایم. این اقدام

رژیم کاملاً هدفمند و سیستماتیک بوده و زنگ خطری است که باید با اعتراضات هر چه وسیعتر جواب بگیرد. تبعید و پرونده سازی برای زندانیان سیاسی وحشت رژیم را نشان میدهد. رژیم به خیال واهی خود میخواهد با تبعید و فشار بر زندانیان و خانواده ها صدای اعتراض را خاموش کند؛ اما حتی خود رژیم نیز میدانند زندانیان سیاسی سمبل اعتراض در جامعه میباشند و اعتراضشان خاموش شدنی نیست.

تلاش مذبوحانه رژیم نه تنها بیجواب نمانده بلکه با اعتراض زندانیان و خانواده هایشان روبرو شده است. خانواده های دادخواه در این سال نو با برپایی سفره هفت سین در مقابل زندانها و بر مزار فرزندانسان و با دادن پیام نوروزی اعلام کرده اند که صدای فرزندانسان هستند و فریاد دادخواهی را هر چه رساتر فریاد میزنند. زندانیان سیاسی تبعید شده نیز ساکت نمانده اند. سپیده قلیان در پیامش از قساوت قوه قضائیه سخن میگوید و آتنا دائمی اعلام میکند "فریاد من بر سر شماها همچنان بلند است". ۳۴ نفر از زندانیان سیاسی زن و مرد در زندانهای اوین، قشاقویه و شیراز دست به اعتصاب غذا زده

اند. هجده تن از زندانیان سیاسی رجایی شهر در نامه ای به پرونده سازی و تبعید زندانیان اعتراض کرده اند. در این رابطه همچنین شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان، کانون صنفی معلمان ایران (تهران) و کانون صنفی فرهنگیان گیلان و نیز غفو بین المللی فشار بر روی اسماعیل عبدی و زندانیان را محکوم کرده و خواستار آزادی اسماعیل عبدی شده اند.

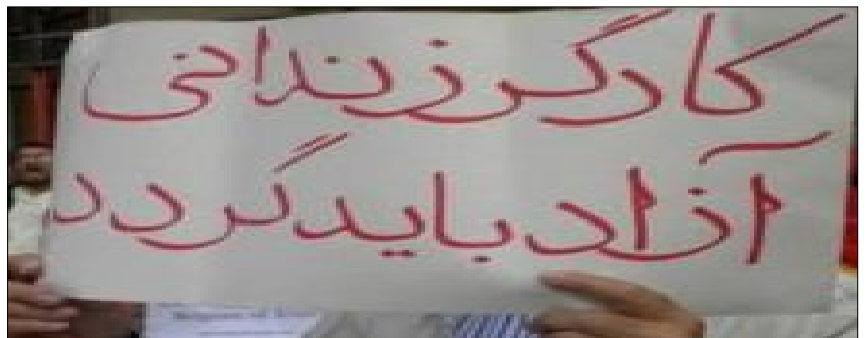
پیام زندانیان سیاسی و خانواده هایشان به مردم فراخوان به اعتراض سراسری علیه تبعیدها و برای آزادی زندانیان سیاسی است.

ما از شما مردم آزادیخواه و مدافعان آزادی زندانیان سیاسی دعوت میکنیم تا با اعتراضات وسیع، تجمع در مقابل زندانها و در مقابل دفاتر رسمی رژیم، تبعید و پرونده سازی برای زندانیان سیاسی را محکوم و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی شویم.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
۲۲ مارس ۲۰۲۱
برابر با دوم فروردین ۱۴۰۰

پیام زندانیان سیاسی و خانواده هایشان به مردم فراخوان به اعتراض سراسری علیه تبعیدها و برای آزادی زندانیان سیاسی است.

ما از شما مردم آزادیخواه و مدافعان آزادی زندانیان سیاسی دعوت میکنیم تا با اعتراضات وسیع، تجمع در مقابل زندانها و در مقابل دفاتر رسمی رژیم، تبعید و پرونده سازی برای زندانیان سیاسی را محکوم و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی شویم.



خواست تامین معیشت و رفاه همگانی، خواستی بر حق و انسانی!

بر افراشتن پرچم تامین معیشت همگانی خود یک عرصه مهم مبارزه برای بزیر کشیدن حکومت دزدان و جانپان اسلامی در ایران است.

سرنگون باد حکومت چپاول و جنایت اسلامی



خیزش عظیم مردم در راه است. جنبش دادخواهی و جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی را گسترش دهید، به احکام اعداء اعتراض کنید؛ از اعتصابات کارگران حمایت کنید، اعتصابات و تجمعات را گسترش دهید؛ برای اعتصابات سراسری آماده شوید، شبکه های محلی را مستحکم کنید، هر جا که میتوانید اوپاشان حکومت را گوشمالی دهید؛ همه جا و در هر تجمع و اعتراض شعار معیشت مردم باید تامین شود را فریاد بزنید و مفتخوران را از هر طرف تحت فشار قرار دهید.

تلفن و ای میل آدرس تماس با سردبیر

**Tel: 00358405758250
E-mail: abdolgolparian3@gmail.com**

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!